

دوتا ۱۷۵	در میان گذاشتن برکات ۳۳
T = معلم ۱	S = معلم ۲
يك شاگرد آنچه از افسسیان ۱ - ۳ یاد گرفته است در میان می گذارد .	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید . با کمک این مجموعه که در مورد در میان گذاشتن راز گاهانهایمان است یاد خواهید گرفت که شاگرد عیسی مسیح باشید . دو معلم آنچه را از راز گاهانهای خود یاد گرفته اند در میان می گذارند . هفته گذشته هر روز با قسمتی از عهد جدید راز گاهان داشتیم . یکبار در هفته با هم جمع می شویم تا آنچه را یاد گرفته ایم با یکدیگر در میان بگذاریم . در حالیکه به این برنامه گوش می کنید در دفتر چه خود ، یادداشت بردارید و یا برنامه را ضبط کنید . نخست شرح خواهیم داد که چگونه راز گاهان داشته باشیم . سپس حقایق مهم و دروسی را که از راز گاهان های خود یاد گرفته ایم با یکدیگر در میان گذاشته و سعی می کنیم به بعضی سئوالات مشکل پاسخ دهیم . عنوان درس امروز این است : يك شاگرد آنچه از افسسیان ۱ - ۳ یاد گرفته است در میان میگذارد .

(S) نکته ۱ . نحوه داشتن راز گاهان و در میان گذاشتن برکات .

از یکی از هفت قسمت مشخص شده کتاب مقدس هر روز هفته با خدا مشارکت یا راز گاهان داشته باشید . يك روش ساده راز گاهان " حقیقت محبوب " است که دارای ۵ قدم می باشد . قدم ۱ . دعا کنید و از خدا بخواهید که با شما صحبت کند . قدم ۲ . یکی از هفت قسمت مشخص شده را بخوانید . قدم ۳ . حقیقت محبوب خود را انتخاب کنید . این حقیقت ، آیه یا قسمتی است که خدا از طریق آن با شما صحبت می کند شما را به فکر کردن تشویق می کند یا قلب شما را لمس می کند . قدم ۴ . بر حقیقت محبوب خود تعمق کنید . با انجام چهار مورد زیر تعمق کنید . اول . در مورد معنی کلمات مختلف فکر کنید . دوم . از خدا بپرسید که قصد دارد به شما چه بگوید . سوم . با ساختن يك کاربرد عملی ، حقیقت محبوب خود را به زندگیتان مربوط بسازید . چهارم . مهمترین افکار حاصل از تعمق خود را در يك دفترچه یادداشت بنویسید تا بتواند با دیگران آنها را در میان بگذارید . قدم ۵ . در مورد حقیقت محبوب برای خودتان دعا کنید . سپس برای شخصی در خانواده ، برای شخصی در نزدیکی و سپس برای شخصی که از شما دور است در ارتباط با حقیقت محبوب دعا کنید وقتی که با یکی از دوستانتان و یا سایر مسیحیان در يك گروه خانگی و یا گروه شاگردسازی جمع می شوید به نوبت تعمق حاصل از یکی از راز گاهان های خود را در میان بگذارید . ممکن است سعی کنید که پاسخ بعضی از سئوالات مربوط به قسمتهای مشخص شده را پیدا کنید .

(T) نکته ۲ . در میان گذاشتن برکاتی از افسسیان ۱ - ۳ .

هفته گذشته افسسیان ۱ - ۳ را خوانده ایم . بر آن تعمق و در مورد آن دعا کرده ایم . حالا از یادداشتهای راز گاهان خود برای در میان گذاشتن حقایق و دروس مربوط به این قسمت استفاده کنیم و بعضی سئوالات را مورد گفتگو قرار دهیم .

در میان گذاشتن برکاتی از افسسیان فصل ۱ .

می خواهم در مورد عبارت " در مسیح " که چندین بار در افسسیان فصل ۱ دیده میشود ، مطلبی در میان بگذارم . این عبارت مقام کسانی را شرح می دهد که به عیسی مسیح ایمان می آورند . شرح مزایای فوق العاده ای است که مسیحیان به خاطر اینکه مسیح شفیع آنهاست دریافت می کنند . در افسسیان ۱ : ۴ - ۵ مسیحیان قبل از خلقت جهان برگزیده شدند یعنی قبل از اینکه خدا زمین و انسانهای روی آن را بیافریند نقشه ای برای نجات کسانی داشت تا خانواده او شوند . خدا با فرزند خواندگی مسیحیان آنها را به این خانواده می آورد . در افسسیان ۱ : ۳ مسیحیان از طریق عیسی مسیح هر برکت روحانی را از آسمان دریافت می کنند . عیسی مسیح نه تنها از طریق مرگ و قیام خود لایق این برکات است بلکه این برکات از طریق ایمان به او به ما داده می شوند . در افسسیان ۱ : ۶ مسیحیان این برکات را نه به خاطر لیاقت خودشان بلکه به خاطر فیض عالی خدا دریافت می کنند که خدا در مسیح آن را نمایان کرد .

در افسسیان ۱ : ۷ مسیحیان فدیة داده شده اند . فدیة عملی بود در میان یونانی ها و رومی ها که از طریق آن يك غلام با پرداخت فدیة آزاد می شد . به همین صورت عیسی مسیح با دادن زندگی خود ، گناهکاران را از بندگی گناه ، لعنت شریعت و عذاب جاودانی آزاد میکند . فدیة یا بهای رهایی قربانی کفاره ای روی صلیب است . مسیح این مبلغ را به کسی پرداخت نکرد اما با مرگش بر روی صلیب خودش را داد تا خشم مقدس و عادلانه خدا بر علیه گناه را دور کند . پس کسی که فدیة داده شده از گناه ، قدرت بندگی و مجازات یا لعنت گناه آزاد شده است . و فدیة چیزی نیست به جز قربانی کفاره ای که مسیح آن را آماده کرد .

در افسسیان ۱ : ۷ مسیحیان آمرزیده شده اند . آمرزش نتیجه پرداختن این فدیة است . چون عیسی مسیح بهاء را پرداخت کرد خدا گناهان ما را می بخشد . و وقتی ما به عیسی مسیح ایمان می آوریم ما را " بی گناه " اعلام می کند . کتاب مقدس می گوید وقتی خدا گناهان ما را می بخشد دیگر گناهان ما را به خاطر نمی آورد . او هرگز این گناهان را بر علیه ما نگه نمیدارد . پس آمرزش یعنی عادل شمرده شدن . خدا کاملاً ما را در نظر خود عادل اعلام می کند و در آینده ما از نظر او کاملاً عادل به حساب آمده و با ما اینگونه رفتار می کند . تمام این امتیازات به من از موقعیتم در مسیح اطمینان خاطر می بخشد .

در افسسیان ۱ : ۹ - ۱۰ مسیحیان نقشه خدا را در ارتباط با جهان مخلوق خود می دانند . هدف خدا این است که تمام موجودات این جهان تحت رهبری مسیح ارتباط با ارزشی پیدا کنند . در پایان تاریخ وقتی عیسی مسیح به زمین بازگردد شریکان بالاخره توسط عیسی مسیح داورى خواهند شد کل خلقت کاملاً احیاء شده و ملکوت خدا به صورت نهایی آن آشکار خواهد شد . این چیزی است که من واقعاً با اشتیاق در انتظار آن هستم .

(S) می خواهیم بعضی لغات مشکل در افسسیان فصل ۱ را شرح دهیم .
اولین لغت مشکل در افسسیان ۱ : ۴ - ۵ ” برگزیده “ و ” از قبل تعیین نمود “ است . کتاب مقدس تعلیم می دهد که خدا بعضی افراد را انتخاب می کند تا نجات دهد و برای همیشه قوم او باشند البته هیچکس شایسته انتخاب شدن نیست . کتاب مقدس می گوید ، ” زیرا همه گناه کرده اند و هیچکس به آن کمال مطلوب و پر جلالی که خدا انتظار دارد نرسیده است . “ (رومیان ۳ : ۲۳) . حتی يك نفر به دلیل لیاقت خودش انتخاب نمی شود بدون فیض و محبت خدا ، هیچکس نمی تواند نجات بیابد . اما خدا محبتش را شامل بعضی افراد می کند و آنها را برای حیات ابدی و جلال انتخاب می کند .

به علاوه خدا از قبل تصمیم گرفته تا با چه هدفی این افراد را انتخاب کند . هدف او این است که آنها فرزند خوانده او شوند و زندگی مقدس و بی عیبی داشته باشند . واژه برگزید بر کسانی که خدا انتخاب می کند تاکید می کند . در حالیکه عبارت از پیش تعیین نمود بر هدف خدا از انتخاب این افراد تاکید دارد . پس انتخاب خدا هیچ دلیلی بر ای فخر کردن ندارد بلکه انگیزه ای برای فروتنی است . انتخاب الهی ، جوازی برای در گناه زندگی نکردن ، نیست بلکه مسئولیتی است برای داشتن يك زندگی مقدس .

دومین لغت مشکل فرزند خواندگی در افسسیان ۱ : ۵ است . در فرهنگ یونانی و رومی پذیرش يك پسر به فرزندخواندگی رایج بود . فرزند خواندگی ، به آن پسر تمام مزایای يك پسر واقعی را می داد منجمله تمام حقوق وراثت . اما فرزند خواندگی مسیحیان توسط خداوند ، از فرزندخواندگی انسانی پیشی می گیرد . وقتی خدا کسی را به فرزندی می پذیرد به او نامی جدید و موقعیتی قانونی و جدید در برابر خدای زنده می دهد . او ” فرزند خدا “ نامیده می شود و از نظر خدا کاملاً عادل به شمار می رود . همچنین اعضای خانواده جدیدی پیدا می کند . خدا ” پدر آسمانی او می شود و تمام مسیحیان کل جهان ” برادر و خواهر “ او می شوند . در حالیکه شخص مسیحی در خانواده خدا رشد می کند ویژگی جدید پیدا می کند مانند محبت ، عدالت و وفاداری ، و بالاخره میراثی جدید بدست می آورد که عظمت و شگفتی آن دور از تصور است . فرد مسیحی هرگز از آن میراث ناراضی نخواهد شد و آن میراث هرگز از بین نخواهد رفت .

سومین لغت مشکل در افسسیان ۱ : ۱۳ ” مهر شدن “ است که می گوید ، ” همه شما نیز که پیغام نجات بخش انجیل را شنیدید و به مسیح ایمان آوردید به وسیله روح القدس مهر شدید “ . در زمان عیسی و پولس مهر از جنس موم و دارای نقش شخصی مهم بود که بر روی آن حک شده بود . مهر نشانه تملک و اصالت بود . شخصی که آن مهر را بر خود داشت به این معنی بود که او متعلق به صاحب مهر است پس وقتی مسیحیان توسط روح خدا مهر شده اند به معنی این است که به خدا تعلق دارند . روح القدسی که در فرد مسیحی زندگی می کند مدرکی است دال بر اینکه او واقعا متعلق به خداست و تضمینی است بر اینکه او واقعا يك مسیحی است . مهر همچنین نشانگر حفاظت است هرکس که مهر روح القدس را دارد توسط خدا محافظت می شود . پس مهر روح خدا نشانگر سه چیز است : شخصی که روح القدس در او زندگی می کند واقعا يك مسیحی است ، به خدا تعلق دارد و خدا از او محافظت خواهد کرد . این به من اطمینان بسیار و حس امنیت می بخشد .

در میان گذاشتن برکاتی از افسسیان فصل ۲ .

(T) می خواهیم از افسسیان ۲ : ۱ - ۳ در رابطه با دلیل نیاز مردم به نجات مطلبی در میان بگذارم .
خدا می گوید که مردم از نظر روحانی مرده اند . یعنی مردم ذاتاً نمی توانند چیزهای خوب روحانی را درک کنند و انجام دهند . چون شباهت خدا کاملاً در غیر مسیحیان از بین رفته است ذاتاً می توانند کارهای خوب طبیعی را انجام دهند اما قادر به انجام کارهای خوب روحانی نیستند . رومیان ۸ : ۷ - ۸ می گوید ، ” زیرا طبیعت گناه آلود ما بر ضد خداست و هرگز از احکام خدا اطاعت نکرده و نخواهد کرد . از اینرو آنانی که عنان زندگی شان در دست طبیعت گناه آلودشان است و هنوز در پی خواهشهای ناپاک سابق خود هستند نمی توانند خدا را راضی کنند . “ پس غیر مسیحیان کاری را که خدا از آنها می خواهد انجام دهند را طبیعتاً نمی توانند انجام دهند و انجام نخواهند داد . اغلب به وجود خدا اعتقادی ندارند و برای هیچ چیز شکر گزار خدا نخواهند بود و نمی خواهند خدا را خشنود سازند و او را جلال دهند . کسانی که از نظر روحانی مرده اند ، نمی توانند چیزهای اخلاقی و روحانی را که خدای کتاب مقدس لازم می داند تمیز دهند . هنوز خدا را نمی شناسند و با او ارتباط ندارند . انسانهایی که از نظر روحانی مرده اند ، حقایق روحانی ای که از روح خدا حاصل شده اند را حماقت می دانند . آنها دوست ندارند حقایق کتاب مقدس را درک کنند و حقیقت موجود در آن را نمی پذیرند . چرا مردم از نظر روحانی مرده اند ؟

يك . مردم از نظر روحانی مرده اند چون خواهش های طبیعت گناه آلود خود را ارضاء می کنند .

انسانها حق دارند که دارای خواهشهای طبیعی همچون نیاز به غذا ، دوستی و ابراز شادی و غیره باشند . اما انسانها دارای خواهشهای طبیعی غلطی نیز هستند مانند شرارت ، فساد ، قدرت و غیره این خواهشهای غلط را ذات فاسد انسانی می گویند . گناه ، خواهشهای غلط ذات فاسد انسان را ارضاء می کند . ویژگی های ذات گناه آلود انسانی عبارتند از اتکاء به خود ، تصور برحق بودن ، افراط و خود مختاری . ریشه گناه استقلال از خداست . فراموش کردن هدف خدا و قصور از معیار الهی است . زندگی کردن خارج از چهارچوب الهی است . میوه گناه انجام تمام کارهایی است که خدا منع کرده و غفلت از تمام فرامین خدا است . وقتی مردم به طور عادی مستقل از خدا زندگی می کنند ذات خود را با انجام کارهایی که خدا منع کرده و انجام ندادن فرامین خدا نشان می دهند . حتی انسانهایی که فکر می کنند هیچوقت کاری اشتباه انجام نمی دهند با غفلت از فرامین خدا در کتاب مقدس از نظر روحانی مرده اند .

دو . مردم از نظر روحانی مرده اند چون راههای دنیا را دنبال می کنند .

منظور از دنیا در اینجا انسانی است که با راه خدا غریبه است ، زیر بار گناه است در معرض داوری خدا قرار دارد و به نجات نیازمند است . این دنیا خودش را به شکل فشارهای سیاسی ، دید مادی نسبت به زندگی ، تبعیض نژادی و یا هر نوع بی عدالتی ابراز می کند . این دنیا همیشه مخالف با عیسی مسیح و تعالیم او در کتاب مقدس است . این دنیا قلمرو شیطان ، اجتماع انسانهای شریری است که خود

را بر علیه عیسی مسیح و ملکوت او بر می افرازند . وقتی مردم طرز فکر و راههای این دنیا را دنبال می کنند هنوز از نظر روحانی مرده اند .

سه . مردم از نظر روحانی مرده اند چون راههای شیطان را دنبال می کنند .
شیطان در اینجا ، ” رئیس نیروهای پلید “ نامیده شده است . شیطان نمی تواند در آسمان تاثیری داشته باشد چون از آنجا بیرون رانده شده است . هنوز هم نمی تواند در جهنم باشد چون زمان او هنوز نرسیده است . پس شیطان و روحهای شریر او کارهای شوم خود را بر زمین و فضای اطراف آن انجام می دهند . شیطان همینطور ” روحی که هم اکنون در قلب مخالفین خدا عمل می کند “ نامیده شده است . او و روحهای شریرش در قلوب کسانی که نمی خواهند به عیسی مسیح ایمان بیاورند کار می کنند . این نا اطاعتی ، بی ایمانی یا سرکشی علیه کلام خداست . شیطان هرگز آرام نمی گیرد . او فعالانه سعی می کند که حتی بد را بدتر بسازد . اما شیطان و روحهای شریر او فقط کاری می توانند انجام دهند که خدا با اقتداری که در تصمیم گیری دارد اجازه انجام آن کار را به آنها بدهد . این قدرتهای شیطانی تمام این قلمرو را در اختیار خود ندارند چون حالا عیسی مسیح صاحب تمام اقتدار زمین و آسمان است (متی ۲۸ : ۱۸) . به همین علت من هیچ دلیلی برای ترسیدن از شیطان یا روح های شریر ندارم .

(S) می خواهم از افسسیان ۲ : ۴ - ۱۰ در رابطه با نحوه نجات مردم مطلبی را در میان بگذارم .

يك . مردم به وسیله خدا و از طریق عیسی مسیح نجات می یابند .

مسیحیان از چه چیزی نجات می یابند ؟ ما از گناه و مجازات گناه نجات می یابیم . ما در حال حاضر بیشتر و بیشتر از تاثیر و قدرت بد گناه نجات می یابیم . و در آینده از وجود و نتایج گناه نجات خواهیم یافت . افسسیان ۲ : ۴ - ۵ می گوید که خدا ، ” با عیسی مسیح “ به ما نیز عمر دوباره داد . ما را از این مرگ روحانی زنده ساخت . و جای ما با مسیح در آسمان است . قیام و صعود او به حضور خدا ثابت می کند کفار جانشینی او به جای گناهان ما ، پذیرفته شده است . هر آنچه که بر عیسی مسیح اتفاق افتاد بلافاصله بر تمام مردمی که به او ایمان می آورند تاثیر خواهد داشت . مجازات او مجازات ما به شمار می آید . مصلوب شدن او بر صلیب به معنی این است که ذان انسانی فاسد و کهنه ما مصلوب شده است . قیام و جلال یافتن او به دست راست خدای پدر یعنی ما با ذات روحانی جدیدی قیام کرده و جسم فانی ما در آینده از مرگ قیام خواهد کرد . سلطنت گرفتن او در آسمان یعنی ما شهروندان آسمان شده ایم و این ضمانت را داریم که وارث آسمان و زمین جدید خواهیم شد .

دو . مردم از طریق فیض و نه از طریق اعمال نجات می یابند .

نجات با فیض خدا است یعنی خدا ما را نجات می دهد حتی با وجود اینکه ما لایق آن نیستیم .

نجات از طریق ایمان است . وظیفه ایمان آوردن و عمل ایمان آوردن سهم ما است اما این فقط در صورتی امکان دارد که خدا ایمان را به عنوان عطیاتی مجانی به ما دهد . وقتی ایمان را به صورت عطیاتی الهی دریافت می کنیم وظیفه داریم آن را بکار ببریم . نجات از طریق اعمال نیست . ما به وسیله اعمال نیک خود نجات نمی یابیم بلکه با هدف انجام کارهای خوب نجات پیدا می کنیم . هدف خلقت جسمی و تولد تازه روحانی ما انجام کار خوب است . خدا برنامه ریزی کرده که وجود ما بر روی زمین هدف بسیار مهمی داشته باشد . وجود ما باید بسیار با ارزش باشد . کل زندگی ما باید بر از کارهای خوبی باشد که خدا آماده کرده تا در آنها سلوک کنیم . بر طبق رومیان ۱۱ : ۳۶ خالق همه کارهای خوب ، اجازه دهنده به کارهای خوب و هدف کارهای خوب ، خدا است . پس ما تمام جلال را به خدا می دهیم .

فیض خدا که لا یشک نیستیم پاسخ ایمان ما را می طلبد . و آینده ارزشمندی که خدا ما را برای آن دعوت می کند داشتن زندگی مسئولانه و خدمت ما است .

در میان گذاشتن برکاتی از افسسیان فصل ۳ .

(T) می خواهم از افسسیان ۳ : ۱ - ۶ درباره سر خدا که بر رسولان و انبیاء عهد جدید آشکار شده است ، مطلبی را در میان بگذارم .

در طی دوران عهد عتیق خدا و عده داد که از طریق آمدن مسیح موعود یعنی عیسی مسیح تمام قومهای روی زمین را برکت خواهد داد . اما در طی دوران عهد عتیق وقتی غیر یهودیان به جامعه اسرائیل ملحق شدند فقط قسمتی از قوم خدا شدند . چون خدا خود را از طریق انبیاء اسرائیل آشکار کرده و اسرائیل کلام مقدس را در اختیار داشت و چون اسرائیل ملکوت روی زمین بود که خدا از طریق بنیاد انبیاء ، کاهنین و پادشاهان بر آن حکمرانی می کرد .

با نخستین آمدن عیسی مسیح رهبران و معلمین مذهبی یهود فکر کردند فقط اسرائیل قوم منتخب خدا است . آنها فکر می کردند که اگر يك غیر مسیحی بخواهد به قوم منتخب خدا متعلق باشد باید اول یهودی بشود یعنی در وهله نخست ختنه شود و تمام شریعت را نگاه دارد .

اما پولس می گوید که روح خدا بر رسولان و انبیاء رازی را آشکار کرده که در زمان عهد عتیق ناشناخته بود . اولین قسمت این راز این است که جامعه الهی روی زمین دیگر فقط شامل ایمانداران یهودی مسیح موعود نمی شود بلکه شامل تمام ایمانداران عیسی مسیح از بین اقوام تمام روی زمین است . جامعه عهد عتیق خدا یعنی اسرائیل هنوز در موقعیتی عالی به حیات خود ادامه می دهند و بین تمام اقوام جهان پراکنده می شوند (افسسیان ۲ : ۱۱ - ۲۲) . دومین بخش این راز این است که ایمانداران غیر یهودی و ایمانداران یهودی از حالا به بعد مشترکا و در موقعیتی مساوی وارث اجتماع الهی روی زمین هستند . آنها به اتفاق هم اعضای يك بدن مشابه یعنی کلیسای مسیحی خواهند بود . و به اتفاق هم در هر آنچه عیسی مسیح هست ، انجام می دهند و به ارمغان آورده شريك هستند . از نخستین آمدن عیسی مسیح دیگر تفاوتی بین یهودی و امتهای وجود ندارد (رومیان ۱۰ : ۱۲) .

(S) می‌خواهم از افسسیان ۳ : ۲۰ در باره دعا مطلبی را در میان بگذارم . این قسمت در مورد خدا می‌گوید ، ” که قادر است به وسیله قدرت عظیمی که در ما کار می‌کند برای ما کارهایی بسیار فراتر از خواست و فکر ما انجام دهد . “ خدا قادر است هر آنچه از او می‌خواهیم انجام دهد و حتی او قادر است کاری بکند که ما جرات در خواست انجام آن را نداریم و حتی نمی‌توانیم تصور کنیم . او می‌تواند حتی بیش از آن بکند . خدا قدرت مطلق است و او بخصوص قدرت خود را با پاسخ دادن به دعاهای ما آشکار می‌کند . دعاهای من نه به خاطر قدرت خدا بلکه به خاطر درک من از اراده خدا و با ناتوانی من در درک آنچه او می‌تواند بدهد محدود می‌شود .

(T) تکلیف برای هفته آینده

اول . افسسیان ۴ - ۶ را به هفت قسمت تقسیم کنید . هر روز با يك قسمت رازگهان داشته باشید . حاصل تعمق تمام رازگهان های خود را در يك دفترچه ، یادداشت کنید . هفته ای یکبار با یکی از دوستانتان و یا در يك مشارکت خانگی یا گروه شاگردی رازگهانهای خود را در میان بگذارید .

دوم . کتابهای دستور عمل ” بروید و کلیسای مسیح را بنا کنید ” را ملاحظه کنید و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید .

سوم . هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه ” دوره شاگردسازی از رادیو ” گوش کنید .